**پژوهش درپزشکی ( مجله پژوهشی دانشکده پزشکی)**
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی
دوره ۳۰، شماره ۱، بهار۱۳۸۵، صفحات ۷۳ تا ۷۹

**مقاله مروری**
**(Review Article)**

# پزشکی کوانتومی

**پیمان پیرزاده×، ناصر طالب‌زاده××، علی‌اکبر موسوی‌موحدی ×**

× مرکز تحقیقات بیوشیمی و بیوفیزیک، دانشگاه تهران
×× بیمارستان Q-Health Resort، Oregon، آمریکا

## چکیده

*پزشکی کوانتومی فن‌آوری نوظهوری در علوم پزشکی است که با عنوان پزشکی جایگزین و مکمل نیز خوانده می‌شود و از برهم‌کنش میدانهای الکترومغناطیسی با دوز کم با اندامهای بدن بهره می‌برد. اساس این تخصص این است که بدن انسان خود شامل میدانهای الکترومغناطیسی است که در درون و بیرون آن در جریان هستند و در تغییرات فیزیکی و شیمیایی آن نقش دارند. این مسائل مبانی فن‌آوری‌های جدیدی است که در پزشکی جهت تشخیص و درمان بیماریها و اختلالات بکار گرفته می‌شود. این مقاله بر اصول طب کوانتوم و دستگاههایی که اخیراً در این زمینه اختراع شده‌اند، مروری خواهد داشت.*

**واژگان کلیدی:** *پزشکی، فیزیک کوانتوم، پزشکی مکمل و جایگزین.*

## مقدمه

پزشکی از زمانی که بشر سعی در شناسایی بدن خویش نمود با او همراه شد تا مشکلات جسمی که دامن‌گیر سلامت بشر بوده را در حیطه دانش بشری رفع کند. از این رو با پیشرفتهایی که در زمینه‌های فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی بخصوص در دو قرن اخیر صورت گرفت، بشر امکان دسترسی به فن‌آوری‌های پیچیده‌تر و دقیقترجهت تشخیص بیماریها و روشهای درمانی مدرن که شامل بکارگیری داروهای شیمیایی، رادیوتراپی و جراحی با ابزار جدید می‌باشد را جایگزین روشهای سنتی پزشکی کرد. با گذر زمان، متوجه شد که دست بردن در طبیعت بدن و عوارض جنبی و بعدی آن،حداقل به اندازه خود بیماری می‌تواند باعث به خطر افتادن و تضعیف بیمار گردد. از این رو در صدد توسعه و بکارگیری روشهای غیرتهاجمی برآمد. با توسعه بیوتکنولوژی و نانوتکنولوژی، پزشکان سعی داشتند مواد شیمیایی-درمانی را با دقت بیشتر به نقاط مورد نظر ارسال کنند. بطور خلاصه بشر در تلاش است که در حین تشخیص و مداوا، به بدن کمترین آسیب وارد شود. علی‌رغم همه تلاشهایی که در زمینه داروسازی و مهندسی پزشکی برای پزشکی مدرن امروز صورت می‌گیرد، آیا راه کم‌خطرتر و طبیعی‌تری که با بدن سازگاری کامل داشته باشد، وجود دارد؟

کوانتوم چیست؟ در اصطلاح فیزیک، کوانتوم کمترین و ساده ترین دوز انرژی است که توسط اتم جذب یا ساطع می‌شود و قابل تجزیه نیست (۱). فیزیک کوانتوم که یک قرن از ظهورش می‌گذرد عنوان می‌کند که کلیه امواج الکترومغناطیسی که در دنیای امروز به عنوان اطلاعات و یا ناقل آن می‌باشند، از بسته‌ها یا کوانتوم‌های انرژی تشکیل شده‌اند. بر این اساس برهم‌کنش امواج الکترومغناطیسی با هر شی از جمله بدن انسان می‌تواند دو اثر داشته باشد: جذب تابش الکترومغناطیسی توسط بدن که آثار درمانی و یا پیشگیرانه دارد و تابش امواج که جنبه تشخیصی دارد نظیر عکس‌برداری اشعه X و MRI (۱). البته میزان جذب و کارآیی اشعه از اهمیت زیادی برخوردار است. بر این اساس دوز بسیار کم تابش کوانتوم‌های الکترومغناطیس کم‌انرژی با شدت کم و بالاترین بازده درمانی را دارا می‌باشند (۱).

**آدرس نویسنده مسئول:** تهران، دانشگاه علوم پزشکی تهران، مرکز تحقیقات بیوشیمی و بیوفیزیک،
دکتر علی اکبر موسوی موحدی (**email:**moosavi@ibb.ut.ac.ir)

**تاریخ دریافت مقاله:** ۱۳۸٤/۷/۲۵
**تاریخ پذیرش مقاله:** ۱۳۸۵/۱/۲۰

[ Downloaded from pejouhesh.sbmu.ac.ir on 2026-11-12 ]

بنابر آنچه تاکنون گفته شد، می‌توان حدس زد که پزشکی کوانتومی بخشی از علم پزشکی است که از تابشهای بسیار کم الکترومغناطیسی که خطر کمتری را متوجه بدن انسان می‌کند جهت تشخیص و درمان استفاده می‌شود و عوامل شیمیایی که باید وارد بدن بیمار شود، در آن جایی ندارد (۲). شدت این تابشها را می‌توان با تابشهای کیهانی که در حالت عادی پیرامون ما هستند و ضرری برای بدن ندارند و حتی در موارد زیادی در تنظیم فعالیتهای بدن نقش دارند، مقایسه کرد.

پزشکی کوانتومی تلفیقی از پزشکی غربی، طب شرقی، گیاهی/هومئوپاتی و فیزیک کوانتومی است. یک نوع انرژی درمانی (طب ارتعاشی) بر مبنای دیدگاههای فیزیک کوانتومی اتم‌ها در ابعاد سلولی است. طب کوانتوم بر خلاف پزشکی کنونی که در وهله نخست نشانه‌ها را دیده و با روشهای درمانی خود آنها را بطور مقطعی و موضعی سرکوب می‌کند، از نشانه‌ها تا حدودی پی به شناسایی ریشه آنها برده و تشخیص بیماری را ساده‌تر می‌نماید.

## مبانی علمی پزشکی کوانتومی

تمام مواد اطراف ما از اتم‌هایی تشکیل شده‌اند که خود شامل الکترون‌ها و پروتون‌ها می‌باشند. آنچه الکترون‌های یک اتم و پروتون‌های موجود در هسته اتم را در کنار هم نگه می‌دارد نیروی الکترواستاتیک ناشی از بارهای الکتریکی این ذرات می‌باشد که بنا بر نظریه الکترومغناطیس منجر به ذخیره شدن انرژی در فضای اتم می‌شود. از طرفی بر اساس نظریه الکترودینامیک حرکت بارهای الکتریکی منجر به تشعشع میدانهای الکترومغناطیسی می‌شود که خود حامل انرژی هستند. بنابراین مشاهده می‌شود که فضای تمامی اتم‌های سازنده ما شامل انرژی ناشی از اندرکنش ذرات داخلی یک اتم و همچنین برهم‌کنش این ذرات با تمام ذرات اتم‌های دیگر بدن می‌باشد (نیروی الکترواستاتیک یک نیروی بلند برد بوده و تا فواصل زیادی موثر می‌باشد). البته طبق نظریه مکانیک کوانتوم، الکترون بصورت موجی اطراف هسته در حال نوسان است که این خود نوعی وجود انرژی در اتم را مطرح می‌کند. بر این اساس می‌توان انتظار داشت که بدن ما مانند هر جسم دیگرآن‌چنان‌که در شکل۱ چند نمونه نشان داده شده است دارای تابش الکترومغناطیسی خواهد بود (۱).

از جهت دیگر، آرایش اتم‌های بدن منجر به ساخت و شکل‌گیری غشاهای سلولی شده است که هر یک دارای اختلاف پتانسیل الکتریکی و جریان یونی خاص خود می‌باشند و در نتیجه بدن را به سازه‌ای متشکل از مدارهای الکتریکی تبدیل کرده که شامل مقاومت، خازن، ولتاژ، جریان و میدانهای مغناطیسی ثابت و متغیر می‌باشند (۴،۳). دور از انتظار نخواهد بود اگر عنوان کنیم هر عضوی از بدن دارای فرکانس الکترومغناطیسی خاص خود می‌باشد.

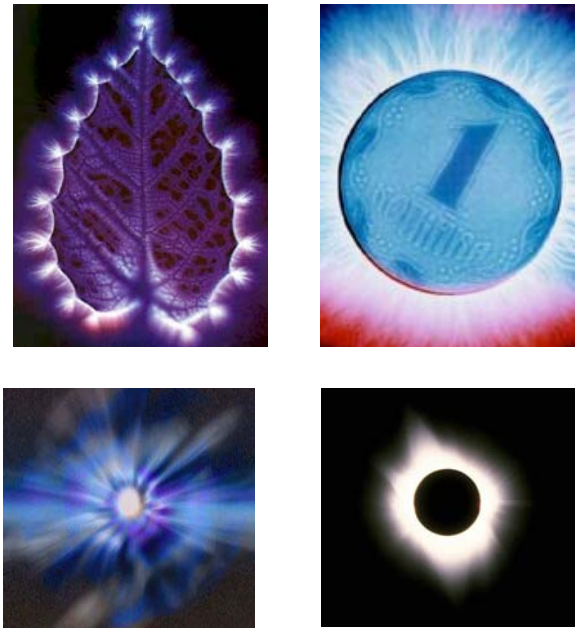

**شکل ۱- میدانهای الکترومغناطیسی اشیاء مختلف**

کاربرد امواج الکترومغناطیسی در تکنولوژی روز در ایجاد ارتباطات و انتقال اطلاعات می‌باشد. امواج ساطع شده از بدن و یا منتشر و جاری در آن، در ایجاد ارتباط میان سلول‌های بدن، انتقال اطلاعات میان آنها و جهت‌دهی به مولکول‌های دریافتی از طریق غذا برای رفتن به مکان مورد نیاز اعم از ترمیم بافت و تکثیر سلولی نقش اول و اساسی دارند و از این رو به این میدانهای الکترومغناطیسی "میدانهای حیاتی"(Bio-field) گویند که حاوی اطلاعات زیستی (Bio-information) می‌باشند (۲). گفته می‌شود فرکانس کلی این امواج در حدود ۵۳ تا ۷۸ گیگا هرتز است (۵). البته رابطه مشهور انیشتین نیز در خور توجه است که بیانگر معادل بودن جسم (m) با انباشته‌ای از انرژی است: $E=mc^2$. پس می‌توان انتظار داشت که مواد غذایی، سموم، امواج مخابراتی موجود، دما، نحوه تفکر، کارکرد ناصحیح یک عضو و... بر امواج ذاتی بدن و انرژی ناشی از آن تاثیر داشته باشند. آشکارسازی این امواج بسیار ظریف و

[ Downloaded from pejouhesh.sbmu.ac.ir on 2026-11-12 ]

تغییرات آنها بر اساس پیشرفتهایی است که در نظریه‌های میدان، آشوب (Chaos) و خود سازماندهی (Self-organization) صورت گرفته است (۴).

اساس تمام آنچه که تا امروز در طب کوانتوم متجلی شده است را می‌توان در طب سوزنی چینی جست (۳). چینی‌ها معتقد بودند که در بدن۱۲ کانال اصلی انرژی وجود دارد که از طریق آنها انرژی به بدن وارد و از آن خارج می‌شود که به آنها "Meridian" گفته می‌شود. گرفتگی هر یک از این کانال‌ها منجر به بروز بیماری می‌گردد. آزمایشات زیادی در قرن بیستم برای بررسی صحت این فرضیه و ردیابی این کانال‌ها انجام شد. در دهه ۱۹۵۰ میلادی، دکتر Voll از طریق قرار دادن بدن در یک مدار الکتریکی حساس نشان داد که نقاطی بر روی پوست بدن وجود دارند که نسبت به نقاط اطرافشان دارای مقاومت الکتریکی کمتری هستند. مقاومت الکتریکی پوست در حالت طبیعی در حدود ۲-۴MΩ می‌باشد در صورتی‌که مقاومت Meridian ها در حدود۱۰۰KΩ است (۳). آزمایش دیگری در سال ۱۹۸۵ توسطVernejoul در پاریس انجام شد که در آن نشانگرهای رادیواکتیو در نقاط طب سوزنی بدن تزریق شد. با کمک دوربین‌های تصویربرداری اشعه گاما، حرکت این مواد رادیواکتیو ردیابی شد و مشاهده شد که آنها مسیر Meridian را با سرعت ۳۰ سانتیمتر در ۶-۴ دقیقه دنبال کرده‌اند. آزمایشات دیگری نیز در تکمیل این مشاهدات صورت گرفت که مؤید این مطلب بود که هر عضوی از بدن دارای Meridian خاص خود بوده و شدت و ضعف انرژی آن به سلامت یا ناهنجاری و اختلال آن عضو وابسته است (۶). دکتر Voll از روی هدایت الکتریکی (معکوس مقاومت الکتریکی) یک عضو می‌توانست به وضعیت آن پی ببرد (شکل ۲). بطور مثال در عضو دچار عفونت بدلیل تجمع یون‌ها هدایت الکتریکی افزایش می‌یابد (۳).

در فیزیک کوانتوم، رابطه‌ای میان انرژی یک فوتون (E) و فرکانس (ν) آن وجود دارد که عبارت است از: $E= h\nu$ که h ثابت پلانک است. بر این اساس انرژی که به بدن وارد و خارج می‌شود دارای فرکانسی در طیف الکترومغناطیس خواهد بود و به فوتون‌های ساطع شده از بدن لفظ"بیوفوتون" اطلاق می‌شود (۶).

مشاهداتی که از اوایل قرن بیستم صورت گرفته بود نشان داد که بافتهای بیمار امواج غیرعادی ساطع می‌کنند که می‌توان به کمک آنها با دقت بالا محل عفونت و یا بیماری را تشخیص داد و آن را درمان کرد (۶). در سال ۱۹۲۵، Lakhovsky عنوان کرد که هر سلول زنده وابسته به هسته خویش می‌باشد که مرکز ارتعاش و تابش است. قدمهای بعدی توسط روسها برداشته شد که با ایجاد و توسعه روش عکس‌برداری Kirlian (روشی عکس‌برداری بر اساس برهم‌کنش یک تخلیه الکتریکی با فرکانس بالا و یک صفحه عکاسی) آثار انرژتیک ارگانیسم‌های زنده را ثبت کردند که به همان انرژی‌های طب سوزنی نسبت داده شد و با کمک آن نقاط شروع و پایان کانال‌های طب سوزنی و اختلالات مرتبط با آنها که باعث بیماری شده بود، نمایان گردید (۶). البته دکتر Voll نشان داده بود که بیست Meridian در دستها و پاها شروع و یا ختم می‌شوند. بدن حدود یک هزار Meridian دارد که به آنها *نقاط اندازه‌گیری* گویند. این نقاط پنجره دسترسی به اطلاعات بدن می‌باشند (۳).

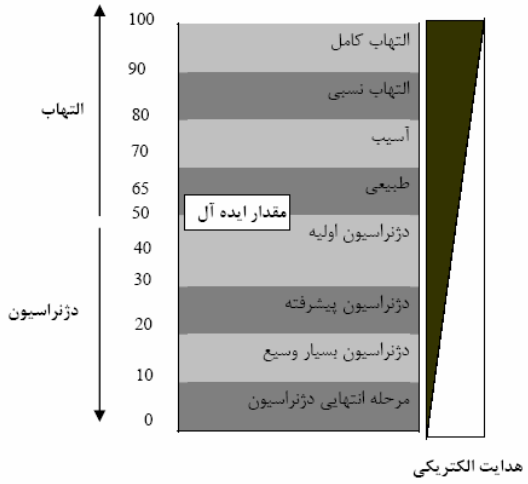


**شکل ۲- جدول دکتر Voll برای تشخیص وضعیت بافت متناسب با هدایت الکتریکی آن**

از لحاظ بررسی میدانهای الکترومغناطیسی بدن، نظریات اثبات شده مشابه و مکملی وجود دارد (۸،۷). در یک نظریه عنوان می‌شود که بدن شامل یک میدان الکترومغناطیسی مرکزگرا است که جهت آن به سمت داخل بدن بوده و ذخیره انرژی بدن را تشکیل می‌دهد و قابل ردیابی و اندازه‌گیری نیست (البته اخیراً روشی برای این مورد ارائه شده است) و یک میدان الکترومغناطیسی مرکزگریز نیز وجود دارد که جهت آن به سمت خارج بدن بوده و قابل مشاهده و اندازه‌گیری است (۷).

هر یک از این میدانها دارای فرکانس خاص خود می‌باشند و وضعیت آنها بیانگر سلامت و یا اختلالات احتمالی (پیش از

[ Downloaded from pejouhesh.sbmu.ac.ir on 2026-11-12 ]

ظهور فیزیکی و فیزیولوژیکی) می‌باشد به این صورت که در شرایط استرس برای بدن حفظ ذخیره انرژی مهم است، در نتیجه برای حفظ سطح ذخیره انرژی (میدان الکترومغناطیسی مرکزگرا) از انرژی میدان الکترومغناطیسی مرکزگریز کاسته می‌شود که در این شرایط نشانه‌های بیماری ظاهر می‌شود (۷).

بدن مصرف انرژی را اولویت‌بندی کرده و همانند یک مدار الکتریکی یک سری فیوزهای بیولوژیک (بدن حدود ۳۰۰ فیوز دارد) را از کار انداخته و از این طریق مانع اتلاف انرژی بدن می‌شود که این امر خود باعث انحراف محور انرژی بدن خواهد شد (۷). اولین مراکزی که در این فرایند انرژی آنها کاسته می‌شود، سیستم عصبی و هورمونی می‌باشند، از این رو اکثریت قریب به اتفاق بیماریها حداقل با درد و یا اختلالات هورمونی همراه هستند (۷).

نظریه دیگری عنوان می‌کند که بدن شامل یک میدان مغناطیسی است که از اعضای داخلی مانند قلب و مغز سرچشمه می‌گیرد و یک میدان الکتریکی که از اعضای سطحی مثل پوست ناشی می‌شود. فرکانس و شدت میدان مغناطیسی معیار اصلی سلامت می‌باشد (۸). در عین حال این دو میدان دارای محور تقارن نسبت به بدن بوده و نسبت به هم نیز دارای انطباق محوری هستند. هر چه محورها از عدم انطباق بیشتری برخوردار باشند، نشانه شدت و زمان بیشتر ابتلا به بیماری است. از طرفی همین نظریه عنوان می‌کند که بدن دارای یک میدان بسیار ضعیف بنام "میدان روحی" (Spiritual field) می‌باشد که در حالت طبیعی در کناره‌های بدن وجود دارد. هنگامی که شخص افسرده باشد، این میدان به پشت بدن منحرف شده و شدت بیشتری در پشت بدن خواهد داشت و هنگامی که شخص شاد و خیلی فعال باشد، این میدان با شدت بیشتر در جلوی بدن قرار می‌گیرد (۸).

وجود چنین میدانهایی توسط فیزیک‌دانان پیش‌بینی شده بود و آنچه تاکنون عنوان شد، اساس ساخت و تکمیل ابزارهای پزشکی کوانتومی می‌باشد. در عین حال پیشرفتهای ابزاری نیز به تصحیح و شناخت بهتر میدانهای بدن کمک کرده است.

## هدف پزشکی کوانتومی

همان‌طورکه تاکنون اشاره شد، امواج الکترومغناطیس ساطع شده از بدن حاوی اطلاعات زیاد و دقیقی از وضعیت بدن می‌باشند که در عین حال که در اطراف بدن حضور دارند، در درون آن نیز جریان دارند و اطلاعات بیولوژیک را منتقل می‌کنند و باعث حیات و بقای بدن می‌گردند. این موضوع شبیه اعتقاداتی است که در مکاتب طب سنتی شرقی نظیر هند و چین وجود دارد. آنها معتقدند که در بدن انسان شعوری وجود دارد که مسئول اداره بدن است. همین شعور است که هنگامی که زخمی در بدن ایجاد می‌شود، گلبول‌های سفید و پلاکت‌ها را به منطقه اعزام می‌کند و جریان مواد را در جهت ترمیم منطقه تغییر می‌دهد، بدون اینکه ما از چگونگی همه آنچه اتفاق می‌افتد، مطلع باشیم. این شعور در تک‌تک سلول‌ها وجود دارد و به آنها حیات بخشیده و فعالیتهای آنها را جهت می‌دهد (۹).

تمام سلول‌های بدن دارای گیرنده‌ها و حسگرهای خاص خود بوده و در عین این‌که با یکدیگر در ارتباط هستند، از طریق تمام اطلاعات بدست آمده به وسیله حسگرهای خود، مدام به مغز سیگنال فرستاده و وضعیت خود را گزارش می‌دهند. یک برآورد نشان داده است که حدود ۹۰۰-۵۰۰ تریلیون بیت در ثانیه به مغز می‌رسد. در این میان بخشی از مغز بنام Reticular formation مانند یک فیلتر عمل کرده و از میان آنچه به مغز می‌رسد، بخش ناچیزی را انتخاب می‌کند و در اختیار Broca می‌گذارد. در عین این‌که بخش چپ مغز مسئول ذهن علمی خطی- لغوی می‌باشد، بخش راست مسئول امور الهامی، ناخودآگاه و غیرلغوی است که قابلیتها و تواناییهای خود را در جهت انجام امور مختلف متحد کرده و بکار می‌گیرد. بنابراین مشاهده می‌شود که از آن سیگنال‌هایی که به مغز می‌رسد، فقط کسر کوچکی در اختیار بخش خودآگاه قرار می‌گیرد و بقیه به بخش ناخودآگاه فرستاده می‌شوند. بخش ناخوآگاه مسئول بسیاری از فعالیتها نظیر تقسیم سلولی و سنتز اکثر پروتئین‌ها بوده و جایگاه کلیه اطلاعات لحظه به لحظه بدن می‌باشد.

هدف پزشکی کوانتومی برقراری ارتباط با این بخش از مغز و شعور درونی جاری در هر سلول بدن می‌باشد. یعنی از خود بدن بدون دخالت بخش آگاهانه در مورد بدن و نیازها و کمبودهای آن پرسش می‌شود و بدن با خواص فیزیکی ذاتی خود (میدانهای الکترومغناطیس) به این پرسشها صادقانه پاسخ می‌دهد. دانشمندان بر این اعتقادند که همان شعوری که قادر به ترمیم خودبخودی زخم یا شکستگی است، در صورتی که تقویت شده و ارتباط درستی با آن برقرار شود، قادر خواهد بود هر بیماری و ناهنجاری را رفع کند (۹). بر این اساس بروز یک اختلال در سیستم بدن ناشی از گم شدن و یا در دسترس نبودن بخشی از اطلاعات بدن می‌باشد که شعور ذاتی را در شفابخشی دچار ضعف کرده و بصورت آشوب و ناهماهنگی در

[ Downloaded from pejouhesh.sbmu.ac.ir on 2026-11-12 ]

میدانهای الکترومغناطیسی بدن نمایان می‌گردد. شاید بتوان در یک جمله گفت که هدف پزشکی کوانتومی بازیابی اطلاعات بیولوژیک گم شده و یا تأمین اطلاعات جدید جهت بازگرداندن توانایی خوددرمانی بدن می‌باشد.

## تشخیص کوانتومی

این بخش از طب کوانتومی بر مبنای اندازه‌گیری پارامترهای انرژتیک و اطلاعاتی می‌باشد که تصویر واضح و دقیقی از یک ارگانیسم، اندام و سیستم درون آن و ارتباطات میان آنها ترسیم می‌کند (۲،۱). همانطور که گفته شد این کار از طریق اندازه‌گیری مقاومت، رسانایی، ظرفیت و سایر پارامترهای الکتریکی برخی نقاط سطح بدن انجام می‌شود و به تشخیص یک بیماری و یا مراحل اولیه آن با دقت بالا کمک می‌کند و حتی میزان آسیب‌پذیری شخص را در برابر یک بیماری خاص مشخص می‌کند. از جمله دستگاههایی که در این زمینه بکار گرفته می‌شوند می‌توان به QXCI و ACMOS اشاره کرد.

**QXCI** (Quantum Xroid Consciousness Interface):

این دستگاه یک بیوبازخورد بیورزونانس (Biofeedback bioresonance) است که از طریق چهار عدد مچ‌بند (برای هر مچ دست یک عدد و برای هر مچ پا یک عدد) و یک هِدبند، بدن را در یک مدار الکتریکی قرار داده و سعی در ایجاد یک بستر ارتباطی با بخش ناخودآگاه بدن می‌نماید، بدین طریق همانند یک اسیلوسکوپ که به یک مدار الکتریکی وصل شود، رفتار می‌کند و کل بدن را در مدت چند دقیقه اسکن می‌کند و تمامی طیف فرکانسی که متعلق به مواد مختلف می‌باشد به بدن فرستاده و نحوه و شدت پاسخ بدن به این فرکانس‌ها را جمع‌آوری کرده و بررسی می‌نماید (۱۰،۴). در این فرایند کل بدن از نظر میزان متابولیت‌ها، الکترولیت‌ها، آنزیم‌ها، پروتئین‌ها، ویتامین‌ها و سایر موارد ضروری مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. این دستگاه از طریق فرکانس‌ها به تبادل اطلاعات با بدن پرداخته و سعی در یافتن نوع نیاز بدن (اطلاعات گم شده و یا جدید) می‌کند. در حین کار بیمار براحتی بر روی یک صندلی می‌نشیند و نیازی به کاهش پوشش بدن نیست.

**ACMOS**:

این دستگاه ابتدا جهت ردیابی میدان مغناطیسی زمین که بسیار ضعیف است طراحی و استفاده شد و بعدها با اصلاحاتی که در آن صورت گرفت برای اندازه‌گیری میدانهای الکترومغناطیسی بدن انسان بکار گرفته شد. این دستگاه دارای آنتنی بنامACMOS Lecher Antenna می‌باشد که می‌تواند شدت میدانهای الکتریکی و مغناطیسی بدن، انحرافات محور تقارن و ضعف و ناهماهنگی آنها را تشخیص دهد. این دستگاه با انرژی شعور درونی ارتباط برقرار می‌کند و بدین‌گونه نقایص ارثی، ارتباطات قطع شده مغز و فیوزهای سوخته بدن را تشخیص می‌دهد (۸).

## درمان کوانتومی

همان‌طور که پیشتر گفته شد، در طب کوانتوم ابزار درمان امواج الکترومغناطیسی با شدت و دوز کم می‌باشند که آثار مخرب اکولوژیکی نداشته و سعی در برگرداندن میدان اطلاعاتی تحت تأثیر قرار گرفته شخص بیمار به وضعیت پایدار (سلامت) دارند (۲،۱). فرکانس امواج بکار گرفته شده با فرکانس اطلاعاتی که در یک ارگانیسم در جریان است رزونانس دارد. در این مقوله از طب کوانتومی، کل و یا جزء بدن را می‌توان مورد بررسی قرار داد. QXCI فرکانس‌های دریافتی از بدن را با استانداردهای ذخیره شده در حافظه‌اش مقایسه می‌کند و پزشک حسب نیاز بیمار او را ازطریق QXCI در معرض فرکانس‌هایی که باید در بدنش باشند ولی وجود ندارد، طی چند جلسه قرار می‌دهد (۱۰،۴). حسب نوع اختلال و تشخیص پزشک، درمان می‌تواند از طریق موسیقی با فرکانس خاص و یا مشاهده تصویری با فرکانس‌های نوری مناسب صورت گیرد. در برخی موارد، بخشی از بدن بیمار تحت تأثیر قرار گرفته و بدن به عنوان واکنش برخی از فیوزهای خود را از کار می‌اندازد ولی بعد از رفع عامل بیماری هنوز بدن در شوک بسر برده و قادر به ترمیم و راه‌اندازی مجدد فیوزهای سوخته نبوده و آثار بیماری ادامه می‌یابد. ACMOS طی چند جلسه با بکار بردن امواج مناسب سعی در بازگشایی مسیرهای مسدود انرژی دارد (۷).

دستگاههای دیگری نظیر MILTA، RIKTA و TerraQuant(TQ) وجود دارند که بطور موضعی در درمان آسیبها و اختلالات ایفای نقش می‌کنند. اساس کار این دستگاهها بر اندرکنش‌های امواج الکترومغناطیسی در سطوح مولکولی، سلولی و میان سلولی، بافت و ارگان و بصورت تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم است. در تأثیر مستقیم، برهم‌کنش با گیرنده‌های نوری و یا بصورت شکسته شدن پیوندهای ضعیف اتمی یا مولکولی می‌باشد در حالی‌که در تأثیر غیرمستقیم

[ Downloaded from pejouhesh.sbmu.ac.ir on 2026-11-12 ]

گسیل مجدد امواج الکترومغناطیسی، تأثیر بر حافظه طیفی مواد درون ارگانیسم و انتقال انرژی از طریق کانال‌ها و یا meridians صورت می‌گیرد. در هر دو شیوه در نهایت تغییر پارامترهای انرژتیک محیط درون ارگانیسم موجب شده و فرایندهای خودتنظیمی بدلیل پمپ شدن انرژی به درون ارگانیسم فعال می‌شوند (۱). در ادامه به معرفی چند نمونه از این دستگاهها می‌پردازیم:

**MILTA** (Magnetic Infrared Laser Therapy Apparatus): این دستگاه ترکیبی از میدان مغناطیسی، لیزر، نور قرمز و تابش مادون قرمز را بکار می‌گیرد که هر یک از این مؤلفه‌ها دارای آثار مخصوص خود می‌باشند (۱):

- میدان مغناطیسی اثر محافظت‌کننده در برابر عوامل مخاطره‌آمیز محیطی نظیر میدانهای الکترومغناطیسی و عوامل جوی دارد. همچنین باعث جدایی مولکول‌های یونیزه داخل سلول می‌شود که باعث بالا رفتن سطح انرژی درون سلول شده و احتمال وقوع واکنشهای نامطلوب مثلا رادیکالی را افزایش می‌دهند. آثار میدان مغناطیسی شامل تخفیف درد و بهبود پتانسیل انرژی سلولی می‌باشد.
- تابش لیزر پالسی مادون قرمز تا عمق ۱۰ تا ۱۳ سانتیمتری بافت نفوذ می‌کند و عوامل هورمونی-عصبی و سیستم دفاعی را فعال می‌کند و فاکتورهای هورمونی متابولیسم را هماهنگ می‌نماید. از تأثیرات آن می‌توان به فعال‌سازی سنتز پروتئین‌ها و آنزیم‌ها، ATP و کلاژن، نوزایی بافت و کاهش سطح کلسترول اشاره کرد.
- تابش پیوسته ناهمدوس (ناهمفاز) مادون قرمز که عمق نفوذ کمتری نسبت به لیزر دارد باعث تقویت سیستم عصبی مرکزی و اعصاب انشعابی (Vegetative nervous system) می‌شود. از آثار کلینیکی آن می‌توان به گرم کردن لایه‌های سطحی بافت، تأثیر بر گیرنده‌های پوست که آستانه درد بالاتری دارند و جلوگیری و درمان عفونت سلولی اشاره کرد.
- نور قرمز پالسی که عمق نفوذ کمتری در بافتها دارد، خاصیت ضدتورم در بافت محیطی ناحیه تحت درمان دارد و ناحیه تحت درمان را قابل رویت می‌کند. همچنین در بهبود گردش خونی در مویرگها و گرم کردن بافت نیز مؤثر است.

**RIKTA:**

این دستگاه نیز ساخت کمپانی MILTA می‌باشد. عملکرد این دستگاه بر روی فردی که مبتلا به سیتومگالوویروس تحت‌حاد بود، آزموده شد. در ابتدا اثری از منافذ رویش مو دیده نشد ولی بعد از ۵ و ۱۱ هفته درمان با RIKTA، رویش مو و حتی رنگدانه‌دار بودن مو مشاهده شد (۱).

**TerraQuant:**

این دستگاه برای مصارف حرفه‌ای و خانگی ساخته شده است. از این دستگاه به عنوان تخفیف‌دهنده درد، ترمیم‌کننده جراحت و ضدسالخوردگی (برای بافتها) استفاده می‌شود. مکانیسم عملکرد آن مشابه MILTA و RIKTA است. در این دستگاه با استفاده از لیزر با شدت کم (low level) سلول‌های زیر سطح پوست تحت تأثیر قرار می‌گیرند که آثاری نظیر افزایش آزادسازی اندورفین، تولید ATP، آرامش کشش ماهیچه‌ای و کاهش درد را بهمراه خواهد داشت. در صورت استفاده از فرکانس کمتر، عمق نفوذ بیشتر بوده که این روش برای درمان دردهای مزمن بکار می‌رود. همچنین می‌توان برای جوان‌سازی و کاهش سرعت پیری سلول‌های پوست و افزایش انعطاف‌پذیری و خاصیت ارتجاعی پوست از این دستگاه سود جست. البته بسته به تشخیص پزشک از چند برنامه بطور همزمان نیز می‌توان استفاده کرد. از TerraQuant در درمان زخمها نیز می‌توان بهره برد.

یکی از دلایلی که به آنچه تاکنون عنوان شد *کوانتوم* اطلاق می‌شود این است که همانند آنچه که در فیزیک کوانتومی اتفاق می‌افتد و یک الکترون و یا هسته اتم به ترازهای بالاتر انرژی جهش می‌کند، یک شخص در فرایند درمان با توجه به اطلاعات جدید بدست آمده به سطح بالاتری از شعور پرش می‌کند. گاهی این پرش تا حدی عمیق است که شعور شخص با شعور طبیعت متحد شده و فرایندهای شفای خودبخودی را سبب می‌شود مانند افرادی که به یک‌باره از سرطان و یا بیماری حادی که به واسطه آن در شرف مرگ بوده‌اند، نجات یافته‌اند (۱۲،۱۱،۹).

## تغذیه کوانتومی

همانطور که پیشتر اشاره شد شعوری در سراسر بدن وجود دارد که اداره‌کننده کل امور بدن است، ولی این شعور چگونه عمل می‌کند؟ در اینجا باید به قابلیت کوانتومی بدن توجه داشته باشیم. به عنوان مثال، در مبانی فیزیک کوانتوم به این مطلب اشاره می‌شود که نور ماهیتی دوگانه دارد، بدین صورت که بسته به نوع آزمایشی که برای آشکارسازی آن بکار می‌رود می‌تواند به شکل موج یا ذره آشکار شود، ولی اینکه ماهیت اصلی نور چیست که خود را بسته به شرایط موج یا ذره نشان می‌دهد و یا چه زمانی ذره به موج یا موج به ذره تبدیل می‌شود، مشخص نیست. شعور ذاتی بدن نیز دارای ویژگی مشابهی است. این شعور به دو شکل بروز می‌کند: ذهن و بدن. ذهن که شامل افکار و احساسات می‌باشد و بدن که ماهیت

[ Downloaded from pejouhesh.sbmu.ac.ir on 2026-11-12 ]

مادی را نمایش می‌دهد. اما هنگامی که این شعور بخواهد برای جلوه‌ای از ذهن معادل مادی داشته باشد از جسم کوانتوم مکانیکی استفاده می‌کند و یک تصور را به ماده بدل می‌کند. مثال این امر در ترسیدن اتفاق می‌افتد. وقتی از عاملی می‌ترسیم ابتدا از تصور آن عامل است و سپس این ترس بصورت مواد شیمیایی در تک‌تک سلول‌های بدن ظاهر می‌شود، گویی وقتی می‌ترسیم با تمام وجود می‌ترسیم. در درمان کوانتومی نیز دیدیم که این امواج بکار گرفته شده، بگونه‌ای در تقویت شعور بدن نقش دارند، بنابراین باید با تغذیه مناسب مواد فیزیکی لازم و کافی را در دسترس شعور بدن قرار دهیم تا با بکارگیری معادل مادی مناسب برای اطلاعات شفابخش جدید، بتوان فرایند بهبود را تسریع بخشید. در اغلب موارد انسانها غذاهایی را مصرف می‌کنند که دوست دارند نه آنچه که مورد احتیاج بدن آنها می‌باشد. در طب کوانتوم با بکارگیری رژیم غذایی مناسب بر اساس داده‌های بدست آمده از بررسی بدن، سعی در تقویت فیزیکی بدن می‌شود. اکثر این رژیم‌ها با کمک مواد کاملا طبیعی به ویژه سبزیجات و میوه‌ها این مهم را فراهم می‌آورند.

## نتیجه‌گیری

طب کوانتومی شاخه نوپایی از پزشکی است. علی‌رغم اینکه در ابتدای مراحل ظهور خود می‌باشد، قدمهای بلند و اساسی در جهت پیشگیری و درمان اختلالات جسمی و حتی روحی انسان برداشته است. امروزه از این علم در کتب پزشکی بعنوان طب جایگزین و مکمل ( Complementary and Alternative Medicine) یاد می‌شود (۷). این علم می‌تواند در تکمیل فرایندهای درمانی در علم پزشکی بسیار مؤثر باشد. بدون شک در آینده با پیشرفتهایی که در نانوتکنولوژی صورت می‌گیرد، نحوه ایجاد ارتباط با بدن و جمع‌آوری اطلاعات از آن متحول و بسیار دقیقتر خواهد شد. با توجه به مزایایی که طب کوانتومی داراست از جمله جهانی بودن، دقت روشهای تشخیصی و درمانی، کم‌خرج بودن، مختص بودن روش درمان برای هر شخص، مستقل بودن از سن، رنگ پوست و شرایط آب و هوایی، آغاز تحقیق و پژوهش در این تکنولوژی در ایران حائز اهمیت است. امید است این مقاله در ایجاد انگیزه در افراد علاقمند به زمینه‌های نوین علمی و پزشکان و متخصصین مربوط جهت ترویج این علم و پایه‌ریزی برای گسترش این شاخه پزشکی مؤثر واقع شود.

## *REFERENCES*


1. http://www.milta-mo.com/quantum.html.
2. http://www.quantum-biofeedback.net.
3. http://www.biomeridian.com
4. http://www.quantumxrroid.net/qxci
5. http://www.biorelax.gbg.bg
6. Yanik P. Quantum medicine: A guide to new medicine of the 21st century. Basic Health Publication, INC., North Bergen, USA, 2003.
7. www.quantum-medicine.com
8. http://www.positivehealth.com/permit/articles/energy%20medicine/brook47.htm
9. Chopra D. Quantum healing: Exploring the frontiers of mind/ body medicine. Bantam Books, New York, USA, 1989.
10. http://www.iqxci.com
11. http://www.wysong.net
12. http://www.alaskawellness.com/sept-oct02/quantum.htm


[ Downloaded from pejouhesh.sbmu.ac.ir on 2026-11-12 ]